

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

پیوند حماسه و غزل در شعر انقلاب و دفاع مقدس

با تأکید بر غزلیات حسین اسرافیلی

(علمی - پژوهشی)

فاطمه ابراهیمی توچایی^۱، عبدالله حسن زاده میرعلی^۲

چکیده

شعر حماسی و شعر غنایی را می‌توان از اولین و مهم‌ترین انواع شعری به شمار آورد. مهم‌ترین قالب شعر غنایی، غزل است و تنها قالبی است که بیشترین نوآوری و تحول را از نظر محتوا در دوره‌های گذشته پذیرفته، اما همچنان اصالت خود را حفظ کرده‌است. گستردگی مفهومی غزل هیچ‌گاه لطمه‌ای به اصل آن نزده، زیرا قراردادهای لفظی و معنوی غزل همواره پا برجا و در عین حال پویا بوده و تعدد و تنوع مفاهیم، قالب‌های ساختاری آن را کم رنگ نکرده‌است. حماسه از دیگر انواع شعر فارسی است که دربردارنده نبردهای سترگ و نمایش‌دهنده پهلوانی‌های عظیم است. حماسه و غنا در طول حیات خویش تأثیر و تأثرهای زیادی بر یکدیگر داشته‌اند. با شروع جنگ روح حماسه در شعر انقلاب دمیده شد. در این دوره، غزل با اقبال شاعران انقلاب روبه‌رو شد و هر یک از شاعران کوشیدند با توجه به توان خود در این قالب به سرودن شعر پردازند و حاصل چنین تلاشی، غزل‌هایی است که اصطلاحاً به غزل‌های حماسی شهرت یافتند. حسین اسرافیلی از جمله شاعران برجسته انقلاب و دفاع مقدس در دو مجموعه «تولد در میدان» و «در سایه ذوالفقار» توانست غزل‌های پر شور و نابی بسراید. در بررسی غزل‌های اسرافیلی می‌توان دریافت که وی با استفاده از مضامین دینی و مذهبی، بهره‌گیری از نماد و اسطوره و به کار بردن ترکیبات تشبیهی و استعاری فراوان، فضای آمیخته با تغزل و حماسه را به خوبی نشان داده‌است. وی را می‌توان جزء شاعرانی دانست که بار حماسی غزل‌هایش بر بار تغزلی آن می‌چربد.

واژه‌های کلیدی

حماسه، غزل حماسی، شعر جنگ، حسین اسرافیلی.

^۱ . دانشجوی کارشناس ارشد ادبیات مقاومت دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول): f.ebrahimi929@yahoo.com

^۲ . استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۵

۱- مقدمه

ادب غنایی یکی از شاخص‌ترین انواع ادب فارسی است که در اشکال مختلفی چون قطعه، رباعی، غزل، قصیده و ... متجلی شده است. غزل یکی از انواع مشهور و کارآمد ادب غنایی به شمار می‌آید که برای تمامی مضامین و مفاهیمی که با احساسات و عواطف شخصی شاعر کار دارد، بستری مناسب را به وجود آورده است. غزل در سیر تاریخی خویش معانی گوناگونی را پشت سر گذاشته است. غزل به معنی شعر ملحون، تغزل، عاشقانه و در اصطلاح امروزی (غزل نو) از جمله گونه‌هایی است که می‌توان برای سیر این قالب در نظر گرفت. غزل امروزه در شاخه‌های گوناگون و تازه مورد استقبال بسیار شاعران است. تلقی قدما از غزل، با برداشتی که امروزه از این قالب شعری می‌شود، متفاوت است. البته قالب، در این میان تفاوتی نکرده است، بلکه تغییر در محتواست که اساس این تفاوت، میان غزل دیروز و امروز را تشکیل می‌دهد.

از دیگر انواع شعر فارسی حماسه است. حماسه با زبانی فخیم دربردارنده نبردهای سترگ و نمایش‌دهنده پهلوانی‌های عظیم است. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس، شعر جدید حماسی ایجاد شد که این نوع از شعر، با تأثیرپذیری از مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، ضمن حفظ باورهای مذهبی از امکانات شعر امروز استفاده کرده است و به موازین و ارزش‌های نوینی در قالب و محتوای شعری دست یافته است که در عرصه ادبیات معاصر حرکتی تازه، در راه تولد یک سبک و سیاق جدید در شعر فارسی به شمار می‌آید. به کار بردن عناصر حماسی در قالب غزل به پیدایش سبکی جدید از غزل با عنوان غزل - حماسه انجامید. غزل‌های حماسی با سبک و ساختاری لطیف، استوار و شکوهمند نماینده پیوندی آشکار بین دو نوع ادبی حماسه و غنا هستند.

۱-۱- بیان مسئله

به کارگرفتن لحن حماسی در قالب غزل در شعر فارسی بی‌سابقه نبوده، ولی شرایط خاصی که انقلاب و جنگ به وجود آورد موجب شد تا غزل حماسی به‌سان

جریانی نیرومند و جدی جلوه نماید. وقوع انقلاب اسلامی آماده‌ترین زمینه را برای حرکت نیرومندان غزل حماسی به وجود آورد و آمیختگی تغزل و حماسه در زمینه‌های گوناگون موضوعی و محتوایی غزل، بروز کرد. بررسی غزل به عنوان یکی از مهم‌ترین قالب‌های شعر غنایی و تأثیر آن از حماسه از جمله مباحثی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. این نوع غزل، چندان بسامد دارد که می‌توان آن را یکی از برجستگی‌های غزل شعر جنگ مطرح ساخت. شاعرانی همچون حسین اسرافیلی در آثار خود از این لحن بهره گرفته‌اند. غزل - حماسه‌های شاعران انقلاب و دفاع مقدس شواهدی نیکو و زیبا در به تصویر کشیدن این قالب نو پای ادب انقلاب است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های فراوانی درباره شعر جنگ صورت گرفته است. از نویسندگانی که درباره شعر جنگ به پژوهش پرداخته‌اند، دکتر محمدرضا سنگری است که در کتاب سه جلدی خود با نام «نقد و تحلیل ادبیات منظوم دفاع مقدس» ویژگی‌های کلی شعر جنگ را در سه عنوان ۱- بهره از نماد، ۲- داشتن چهره انسانی عام، ۳- مشترکات زبانی و فکری بیان می‌کند. عبدالجبار کاکایی در «آوازهای نسل سرخ» و «بررسی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان»، غلامرضا کافی در «دشتی بر آتش»، حسن قاسمی در «صورت‌خیال در شعر مقاومت» و علی مکارمی‌نیا در «بررسی شعر دفاع مقدس» از دیگر نویسندگان هستند که در این مورد به پژوهش پرداخته‌اند؛ همچنین، کتاب «حماسه کلمات» که نگاهی تحلیلی و آماری به بیست سال شعر دفاع مقدس دارد که شامل یک گفت و گو با علی معلم، شش مقاله، پنج خاطره و چهار تحلیل آماری از شعر جنگ است. مقاله «حماسه در بزم غزل بحثی پرامون غزل- حماسه در ادب انقلاب و دفاع مقدس» از محمود براتی و مریم نافلی، نشریه ادبیات پایداری، پاییز ۸۸، شماره اول که به بررسی غزل حماسی با تکیه بر اشعار فرید پرداخته است. در ادامه باید تأکید کرد که بهترین منبع و مرجع برای دریافت نکاتی درباره شعر جنگ، گفت و گوها و مقاله‌هایی است که در

روزنامه‌ها و مجلات چاپ می‌شود. بر این اساس، طبق بررسی نگارندگان، تا کنون پیوند حماسه و غزل در شعر انقلاب با تأکید بر اشعار حسین اسرافیلی مورد بررسی قرار نگرفته و چنین پژوهشی می‌تواند به نوبه خود ابعاد دیگری را از شعر این شاعر انقلاب و دفاع مقدس نمایان سازد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

غزل حماسی در شعر انقلاب و دفاع مقدس از جایگاه والا و شایسته‌ای برخوردار است و معروف‌ترین و زبردست‌ترین شاعران متعهد معاصر به این نوع از غزل ارادتی تمام دارند، تا بدانجا که بخش عمده‌ای از اشعار دفاع مقدس را این نوع از غزل تشکیل می‌دهد. غزل‌های حماسی در زمان خود، تأثیر زیادی در برانگیختن احساسات پاک ملت ایران داشت و شعر زمان خود بود. بی‌شک اگر غزل‌های حماسی در تحلیل و بررسی شعر دفاع مقدس نادیده انگاشته شود، کاری ناقص در نقد شعر دفاع مقدس به وقوع خواهد پیوست.

۲- بحث

شعر و ادبیات منظوم در سیر تاریخی خویش تقسیم‌بندی‌های متفاوت و دگرگونی را شاهد بوده‌است. «برخی بر اساس شکل و عده‌ای بر اساس محتوا شعر را به دسته‌های مختلف تقسیم کرده‌اند. این تقسیم‌بندی‌های متفاوت در اصالت دادن به شکل یا محتوا ریشه دارند. قداما شکل و محتوا را دو عنصر جدا از یکدیگر می‌شناختند و در نظر آنان محتوا، اصالتی واقعی و شکل، ارزشی تبعی و عرضی داشت» (امین پور، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

«سابقه انواع ادبی به آثار ارسطو یونانی و هوراس (Horace) رومی می‌رسد. در فن شعر آنان، حماسه و تراژدی دو نوع عمده‌اند؛ هر چند ارسطو از ادب غنایی (lyric) بحث نمی‌کند؛ ولی به طور کلی می‌توان گفت انواع عمده ادبی در نزد قدامای غرب عبارت بود از: ۱- نوع حماسی (epic)؛ ۲- نوع غنایی (lyric)؛ ۳- نوع نمایشی (dramatic) که خود شامل دو گونه است: الف- سوگنامه یا تراژدی (tragedy)؛ ب- شادی‌نامه یا کمدی (comedy)» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۴). این تقسیم‌بندی، بیشتر جنبه معنایی دارد؛ اما تقسیم‌بندی

ادبیات در ایران بیشتر بر حسب صورت بوده است؛ هر چند گاهی در آثار قدما به بیان انواع مختلف معنایی هم برمی‌خوریم. «هم‌چنین دکتر ذبیح‌الله صفا در کتاب حماسه‌سرایی در ایران، شعر را به سه نوع تمثیلی، غنایی و حماسی تقسیم می‌کند» (صفا، ۱۳۷۸: ۲۳)؛ به طور کلی، گاهی شعر انعکاس دهنده دردهای یک جامعه است و بر عکس، گاهی نیز بیان‌کننده خوشباشی‌های یک قوم و گاه بیان‌کننده احساس است که ممکن است احساس فردی باشد و یا قومی که دو نوع ادب غنایی و حماسی را به وجود می‌آورد و یا آنکه شاعر قصد تعلیم افراد جامعه را در شعر خود اراده می‌کند و سعی در پند و اندرز نکات اخلاقی و اجتماعی دارد. اشعار حماسی و غنایی را می‌توان از مهم‌ترین انواع ادبی فارسی‌زبانان به شمار آورد که با نیم‌نگاهی به تاریخ ادب ایران شکوه و عظمت آن بر همگان آشکار خواهد شد. «دکتر محمود عبادیان، نخستین تجلی عناصر غنایی در شعر فارسی را مربوط به قرن چهارم در شاهنامه فردوسی ذکر می‌کند و پس از آن در تغزل و نسیب قصیده» (عبادیان، ۱۳۷۲: ۵۲). «شعر غنایی با عالم معنی که مدار روح شاعر است سر و کار دارد در اینجا سخن از وصف آنچه در طبیعت است نمی‌رود؛ بلکه شاعر آنچه را که مطلوب اوست به چشم دل می‌بیند و به زبان عواطف بیان می‌کند، میزان و ملاک در این نوع شعر عواطف و روح شاعر است» (صفا، ۱۳۷۸: ۲۴). رواج اصطلاح غنایی در سال‌های اخیر در ادب فارسی چشمگیر است، بارزترین نوع شعر غنایی در ادبیات فارسی، قالب غزل است. در حقیقت، قالب‌های مختلف شعری یکی از وجوه بیان شعر است که شاعران از دوره‌های اولیه ادبیات، معانی مختلف ذهنی خود را در قالب‌های مخصوص ریخته‌اند و ارائه کرده‌اند و هر قالب نماینده معانی ذهنی خاصی شده است، قالب‌های شعری نیز همچون دیگر ابعاد شعر در طول حیات خود به مقتضای شرایط زمانی و مکانی گوناگون دستخوش تغییراتی شده، غزل به عنوان یک قالب شعری از این مستثنا نبوده است. سیروس شمیسا در کتاب «سیر غزل در شعر فارسی» جمع‌بندی مختصر و مفیدی از سیر تحوّل و تطوّر معنای غزل ارائه کرده است که «غزل در طی تاریخ ادبیات فارسی چهار معنا داشته است که سه معنای آن امروزه قدیمی و متروک است: (۱) غزل به معنی شعر ملحون؛ (۲) غزل به معنی تغزل

قصیده؛ ۳) غزل به معنی مطلق شعر عاشقانه؛ ۴) غزل به معنی مصطلح» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۵). غزل در سیر تحوّل و تطوّر خویش از آغاز پیدایش تا به امروز در تمامی ادوار شعر فارسی به عنوان قالبی پویا و انعطاف‌پذیر، مطرح بوده و بنا به ضرورت‌های گوناگون اجتماعی، تاریخی، ادبی و ... در سبک‌های خراسانی، عراقی، مکتب وقوع، سبک هندی، مکتب بازگشت ادبی، عصر مشروطه، شعرنو و بخصوص در شعر انقلاب، دستخوش تغییر و تحولات چشمگیری در قالب و محتوا گردیده‌است. بی‌گمان از نخستین شعرهای فارسی، یعنی سروده‌های حنظله بادغیسی که به لحاظ محتوایی در حوزه غزل جای می‌گیرد، تا غزل‌های تازه و با طراوت امروز، تحولات بسیاری در این قالب کهن شعر فارسی به وقوع پیوسته که تشریح جزء جزء آن از حوصله این مقاله خارج است، اما عمده‌ترین تحوّل‌ها که در غزل امروز نسبت به غزل دیروز روی داده، غالباً در اوزان عروضی و نوع کاربرد تکیه‌ها و تأکیدهای موسیقایی، قافیه و ردیف بوده و از نظر محتوا و درون‌مایه این تحوّل، بیشتر در تازگی و طراوت الفاظ، تشبیهات، استعارات و تعبیرهای امروزی است. انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدّس، تحولات عظیمی در عرصه ادبیات به جا گذاشت. توجه به قالب‌های کلاسیک شعر فارسی در عرصه ادب انقلاب و دفاع مقدّس از جمله ویژگی‌های ادبی این عصر است. در این میان، غزل با چهره‌ای دیگرگون متجلی شد. شاعران به دلیل ظرفیتی که غزل در پیشینه خود نشان داده بود این قالب را ظرف مناسبی برای بیان بسیاری از عواطف معنوی و روحانی یافتند. این عواطف با روح حماسه درآمیخت و این آمیختگی ظرفیت نوینی را برای غزل به وجود آورد. آمیختگی حماسه و غزل و پیوند این دو گونه ادبی سبب تحوّل عظیم در قالب غزل شد.

حماسه به طور خاص در لغت و اصطلاح، تعاریف و مختصات دارد؛ «حماسه در لغت عرب به معنی شدت در کار است و از ریشه صفات احمس (به فتح اوّل و سوم ج: احامس؛ یعنی جای سخت و درشت و مرد درشت در دین و دلیر در حرب) و حمس (به فتح اوّل و کسر دوم به همین معنی) پدیدآمده‌است» (صفا، ۱۳۷۸: ۳۶). به طور عام، به هر آنچه پیامی اجتماعی و انسانی داشته باشد و مخاطب خود را به سرکشی شرافتمندانه

فراخواند و او را بر آن دارد تا حافظ آبرو و استقلال خود باشد و علیه عواملی که او را به پستی حقارت آمیز می‌خواند بایستد، حماسه می‌گویند. پیش از ظهور شعر انقلاب، شعر حماسی را در ادبیات فارسی می‌بایست در شاهنامه‌ها، فتح‌نامه‌ها، تعزیه‌ها، اشعار عاشورایی دوران مکتب بازگشت ادبی عصر صفوی و هم‌چنین برخی از شعرهای سیاسی - اجتماعی عصر مشروطه جست و جو کرد، اما پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس شعر جدید حماسی ایجاد شده که امروزه از آن با عنوان شعر دفاع مقدس یاد می‌شود. این نوع ارزشمند شعر حماسی در حقیقت نوعی حرکت ملموس و محسوس ادبی است که سرچشمه‌های آن را باید در شعر اوایل دهه شصت جست و جو نمود. این نوع از شعر، با تأثیرپذیری از مفاهیم دینی - شیعی و ارزش‌های انقلاب و عرفان ناب اسلامی و ... ضمن حفظ عقاید مذهبی از امکانات ادبیات جدید و شعر امروز استفاده کرده‌است و به موازین و ارزش‌های نوینی در قالب و محتوای شعری دست یافته‌است که در عرصه ادبیات معاصر، حرکتی تازه در راه تولد یک سبک و سیاق جدید در شعر فارسی به شمار می‌آید. به کار بردن عناصر حماسی در قالب غزل به پیدایش سبکی جدید از غزل با عنوان «غزل - حماسه» انجامید. شاعران انقلاب و دفاع مقدس به واسطه ارتباط مستقیم با حوادث انقلاب اندیشه‌های خود را در قالبی زیبا همچون غزل - حماسه متجلی ساختند. غزل - حماسه با سبک و ساختاری لطیف، استوار و شکوهمند نماینده پیوندی آشکار بین دو نوع ادبی حماسه و غنا است.

۲-۱- غزل حماسی در شعر انقلاب و دفاع مقدس

با شروع جنگ تحمیلی روح حماسه در کالبد شعر انقلاب و دفاع مقدس دمیده شد و با جلوه‌های دیگر شعر، یعنی عرفان، تغزل، مدیحه و مرثیه در آمیخت و سبب تجلی با شکوه احساس، عاطفه و اندیشه شاعران این دوره با ویژگی‌های مزبور شد که می‌توان آن را تحوّل عظیم در عرصه شعر فارسی دانست که می‌تواند، نقطه عطفی در مسیر تکامل شعر و ادب فارسی باشد. «بارزترین محمل‌های ظهور حماسه در کنار مفاهیم دیگر، قالب پویا و

انعطاف‌پذیر غزل بود که با توجه به آمیختگی حماسه با مفاهیم غزل، بیشتر غزل‌های این دوره به غزل حماسی نامبردار شدند» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

غزل حماسی به معنای خاص آن، نوعی از غزل است که شکل‌گیری اصلی آن در دوران انقلاب اسلامی انجام شده و در دوران هشت سال دفاع مقدس به اوج خود رسیده‌است و امروز نیز همچنان به حیات خود در زمینه شعر انقلاب ادامه می‌دهد. غزل حماسی از نظر تعریف قالب و شکل ظاهر تفاوتی با تعریف قالبی از غزل‌های معمولی شعر فارسی ندارد، اما از نظر نوع کاربرد قافیه، ردیف، اوزان عروضی و از نظر محتوا تفاوت‌های با غزل معمولی دارد که این موارد، از عناصر سبکی شعر انقلاب به شمار می‌رود. این گونه ادبی که از آمیختن تغزل و حماسه بوجود آمده، به دلیل لطافت غزل و درشتناکی حماسه توجه بسیاری از شعرا را به خود جلب کرد و سهم شایسته‌ای در پیشرفت و تجلی شعر دفاع مقدس داشته و دارد. غزل حماسی را می‌توان به عنوان یک جریان مستقل شعری از شعر دفاع مقدس به شمار آورد؛ به عبارت دیگر، غزل حماسی و شعر دفاع مقدس لازم و ملزوم یکدیگرند.

۲-۱-۱- تفاوت‌های غزل حماسی شعر انقلاب با دیگر غزل‌های حماسی شعر فارسی

با مطالعه تطبیقی غزل حماسی شعر دفاع مقدس با دیگر غزل‌های حماسی شعر فارسی می‌توان گفت که «به کارگیری لحن حماسی در قالب غزل در شعر فارسی بی‌سابقه نبوده و از قرن‌های گذشته تا سال‌های قبل از ۵۷ نمونه‌های پراکنده‌ای از غزل حماسی را می‌توان دید، ولی شرایط خاصی که انقلاب و جنگ به وجود آورد موجب شد تا غزل حماسی به عنوان جریانی نیرومند و جدی رخ نماید. اگر در غزلیات شاعرانی از قبیل مولانا و بیدل دهلوی و یکی دو تن دیگر گاه لحن حماسی شنیده می‌شود و اگر از غزل‌های سیاسی شاعران معاصر پیش از انقلاب، نمونه‌های معدودی دارای لحن حماسی‌اند؛ وقوع انقلاب اسلامی، آماده‌ترین بستر را برای حرکت نیرومندان غزل حماسی به وجود آورد و

آمیختگی تغزل و حماسه در زمینه‌های گوناگون موضوعی و محتوایی غزل جلوه کرد» (همان: ۲۱۰-۲۱۱). شعر فارسی تا عصر مشروطه، عاری از غزل‌های حماسی نیست و در دوران مشروطه نیز گاه حماسه در غزل‌های سیاسی - اجتماعی این دوره دیده می‌شود که نمی‌توان آن‌ها را به تمام و کمال حماسی به شمار آورد. با وجود آن که بسیاری از غزل‌های حماسی مشروطه با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره سروده شده‌اند، اما اغلب دارای نوعی بیان روایی ناقص و احساساتی و اندیشه‌های پراکنده‌اند، بسیاری از اظهارنظرهای شاعران در این دوره به دلیل ناآگاهی شاعران به مسائل سیاسی؛ همچنین گاه به دلیل ساده لوحی‌شان و با دسیسه‌های سیاسیان سبب جبهه‌گیری غیرمنطقی و خالی از دوراندیشی و تأمل است و بیان‌کنندهٔ عدم شناخت درست از رویدادهای زمان دارد. «مخالفت ملک الشعراء بهار با نهضت خیابانی و امثال او، به شیوه‌های مختلف در نوشته‌هایش مبین همین ادعاست» (علایی، ۱۳۸۷: ۵۱). ضعف عمدهٔ این نوع شعرهای سیاسی عدم توجهٔ آنها به مفاهیم مذهبی، فقر فرهنگی و عدم بهره‌گیری از پشتوانهٔ میراث ادبی است که این شعرها را با تاریخ مصرفی خاص نشان می‌دهد؛ اما غزل‌های حماسی شعر دفاع مقدس، اهداف و موضوعات خاصی که همان ارزش‌های انقلاب و اعتقادات دینی و مذهبی ... است را در آینهٔ روشن ابیات خویش گنجانده‌است. این ویژگی مهم به طور کامل، ساختمان اصلی ساختار کلامی و محتوای این نوع از غزل پویای شعر انقلاب را تشکیل می‌دهد. به این غزل از سپیده کاشانی توجه کنید:

بجوشد گل اندر گل از گلشن من	به خون گرکشی خاک من دشمن من
جدا سازی ای خصم، سراز تن من	تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی
تو عشق میان من و میهن من	کجا می‌توانی ز قلبم ربایی
تجلی هستی ست، جان‌کندن من	مسلمانم و آرمانم شهادت
بتازد به نیرنگ تو، توسن من	نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش

(کاشانی، ۱۳۷۳: ۹)

سپیده کاشانی در غزل فوق که از سروده‌های معروف وی است، شهادت را آرمان خود می‌داند و تجلی هستی را جان دادن در راه عشق. او خود را آزاده‌ای از خاک آزادگان می‌داند که گل‌های صبر را در دامن خود می‌پرورد و عطش خود را با جام توحید برطرف می‌کند. باید گفت در این غزل تمامی عناصر شعری، مانند تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، وزن، قافیه، حسن آمیزی و ... در قالب بیانی حماسی و رجزگونه در خدمت بیان مفهوم و پیامی انقلابی قرار گرفته‌است؛ به عبارت دیگر، «غزل دوره انقلاب اسلامی با غزل مشروطه تفاوت‌های اساسی دارد، غزل مشروطه فاقد تخیل و تصویرسازی‌های بدیع است و رفتارهای زبانی و تصویر به ندرت هنرمندانه و زیباست، اما در غزل انقلاب با استفاده از تجربه حدود یک قرن تحول در ساحت شعر مدرن قابل اعتناست» (کاکایی، ۱۳۷۶: ۵).

۲-۱-۲- غزل حماسی انقلاب و جنگ در دوره نخست

غزل حماسی انقلاب و جنگ در دوره نخست با شتابزدگی و اضطراب همراه است. اغلب اوزان شعری که مورد استفاده قرار می‌گیرد، همان وزن‌های مألوفی است که بارها آزموده شده‌است. تقریباً می‌توان گفت شعرهایی با ساختاری دقیق و محتوایی تأثیرگذار و عمیق در این دوره اندک می‌باشد. از دیگر ویژگی‌های غزل این دوره می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف- مستندسرایي و صراحت گویی

مستندسرایي غزل انقلاب و جنگ در دوره نخست می‌تولید تا لحن حماسی و جنگی در شعر حاکم شود. زمان و موقعیت خاص آن دوران، چنین زبانی را می‌تولید و شعر جنگ ناگزیر باید این دوره را طی می‌کرد. «جنبه‌های حماسی غزل انقلاب از جهات گوناگون مورد توجه و تأمل است. صرفاً بیان یک موضوع درباره جنگ، اثری را حماسی نمی‌کند. نوع لحن، دایره واژگان و وزن شعری هر یک در ابعاد حماسی غزل، سهمی بسزا دارند. بهره‌گیری از مولفه‌های شعر حماسی قدیم به ویژه شاهنامه حکیم توس، بیشتر در حوزه واژگانی و احضار شخصیت‌های حماسی است» (علائی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

ای ظفرمندان ظفرمندان در سنگر به پیش ای سواران سحرگردان نام آور به پیش
جنگجویان دلاور پیش تازان دلیر آرشان فاتح این خاک پهناور به پیش
(مردانی، ۱۳۷۰: ۸۲)

این غزل‌ها در نهایت سادگی سروده می‌شود و شاعر از به کارگیری واژگانی که در شعارهای رایج وجود دارند، ابایی ندارد. باید در نظر داشت مخاطب این غزل‌ها منتقد امروزی نیست، مخاطبی که شاعر در زمان سرودن این غزل‌ها در نظر داشته دارای شرایط خاص جنگی است.

ب- به کارگیری واژگان خاص حماسی

وجه دیگر حماسه‌سرایی در غزل انقلاب، بهره‌گیری از واژگان خاص حماسی است. شرایط ویژه انقلاب و جنگ، بسیاری از واژه‌ها و تعبیرات تازه را وارد شعر کرد، واژه‌هایی که از جنس آتش و خون و شهادت بودند و در شعر همه شاعران انقلاب اسلامی به فراوانی به کار رفته‌اند. «شاید با اندکی تسامح بتوان این واژگان را جنگی دانست تا حماسی؛ اما به هر حال حضور همین واژگان به نحوی محکم و استوار، بعد حماسی اثر را افزایش می‌دهد. بعد حماسی چنان بر تار و پود غزل چنگ انداخته که حتی سروده‌هایی در رثای شهدا، بیشتر حال و هوای حماسه دارد تا مرثیه و سوگ» (علایی، ۱۳۸۷: ۱۶۷-۱۶۸).

چشم ستاره امشب بیدار باید گردد با این شب سیه دل پیکار باید گردد
با من بیا برادر ای قهرمان سنگر زیرا که این سمتگر بردار باید گردد

(اکسیر، ۱۳۶۱: ۷۴)

غزل فوق شعری است ساده و ردیف «باید گردد» بارها در شعارهای انقلاب و جنگ تکرار شده است، با این وجود لحن حماسی آن و نوع واژگانی که به کار می‌برد، مانند پیکار، قهرمان، سنگر، دار و ... آن را از حوزه غزل به معنای متعارفش دور می‌کند.

«این نوع غزل چندان بسامد دارد که بتوان آن را به عنوان یکی از برجستگی‌های غزل شعر جنگ مطرح ساخت. شاعرانی همچون؛ حسین اسرافیلی، نصرالله مردانی و ساعد باقری در آثار خود از این لحن بیشتر بهره گرفته‌اند» (کافی، ۱۳۸۱: ۸۵).

ج- خارج شدن شعر از فردگرایی

در دوران جنگ تحمیلی، شاعران گرم پیکار انقلابی بودند و اعتقاد قطعی آنان به آرمان‌های انقلاب و دفاع مقدس به آن‌ها انگیزه لازم برای حرکت را می‌داد. نشانه‌ها و مفاهیم اعتقادی در شعر این دوره پررنگ و غالب است، گویی شاعران در این دوره، هدفی جز ترویج عقاید و باورهای خویش ندارند. همه این عناصر به شعر لحن حماسی می‌دهد و در جامعه حماسی فردیت و هیجان‌ها و عواطف شخصی نادیده گرفته می‌شود و خود فردی به فراموشی سپرده می‌شود؛ در واقع «غزل این دوره، از حالت‌های فردگرایی و درد دل‌های شخصی و خصوصی خارج شده‌است و من شاعر تبدیل به فردی اجتماعی شده که هم نزدیک را می‌بیند و هم، چشمی دورنگر به دورترین نقاط جهان دارد» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۸۷). غزل «دیگر اهریمن من‌ها نفریید دل ما» از نصرالله مردانی در حال و هوای که ذکر کردیم سروده شده‌است. این غزل با کمترین آرایه‌های لفظی و معنوی تنها به رساندن معنا و مفهوم می‌اندیشد و شعریت به نفع شعار کنار زده می‌شود.

جنگ جنگ است بیاتاصف دشمن شکنیم	صف این دشمن دیوانه میهن شکنیم
در افسانه‌ای قلعه شیطان بزرگ	چو علی فاتح خیرشکن تن شکنیم
راه ما راه حسین است که با تیشه خون	همه بت‌های زمین در شب روشن شکنیم

(مردانی، ۱۳۷۰: ۸۲)

تموج خشم و فریاد را در غزل مذکور نمی‌توان با اسطوره‌های انتخابی شاعر بی- رابطه دانست. اسطوره‌هایی چون؛ علی فاتح خیرشکن، حسین^(ع) تهمتن. در مصرع «همه بت‌های زمین در شب روشن شکنیم» نوعی خروج از سنت متداول زبان محسوس است و آن در کاربرد «شب روشن» است. در حقیقت، تیت مولف آن، تهییج و تحریک شور

انقلابی جامعه است. پیام اصلی غزل، وحدت همه اقشار ملت در مقابل تهاجم استکبار است و به خوبی با لحنی حماسی و تهییج کننده از عهده ابلاغ این پیام برآمده است. این نوع شعرها متعلق به دوره نخست شعر انقلاب و جنگ می باشد که از بار عاطفی کمتری برخوردارند و عموماً شاعر سعی دارد تا با استفاده از واژگان کهن و گاه خشن، فضای جنگی را تشدید کند. در حقیقت، شاعران آگاه در این دوره نقش تبلیغاتی خود را به خوبی ایفا کرده و با سرودن اشعاری حماسی، روح دشمن ستیزی را در دل مردم بیدار می نمایند.

۲-۱-۳- دور شدن غزل حماسی از شعار و مفاهیم تند سیاسی در اثر گذشت زمان

با گذشت زمان، شاعران شروع به فرهنگ سازی می کنند و غزل هایشان کم کم رنگ و بوی تازه می گیرد. الفاظ خشن در سال های پایانی دفاع مقدس به تدریج جای خود را با الفاظ حماسی ملایم و شفاف همراه با معانی لطیف عرفانی می دهد و از مفاهیم و تعبیرهای تند حماسی دور می شود. این امر تا حد زیادی به اقتضای زمان و شرایط اجتماعی و سیاسی در دوران دفاع مقدس و دوره بعد از آن مربوط می شود. در غزل های این دوره، نرمی و لطافت تغزل و درشتی و ضخامت حماسه سرایی طوری در کنار یکدیگر قرار گرفته اند که گویی هر کدام مکمل دیگرست، دمیده شدن روح حماسه به عنصری سازگار با غزل را می توان در آثار شاعران این دوره یافت. به این غزل از قیصر امین پور توجه کنید:

باران گرفت نیزه و قصد مصاف کرد آتش نشست و خنجر خود را غلاف کرد
گویی که آسمان سرنطقی فصیح داشت با رعد سرفه های گران سینه صاف کرد
(امین پور، ۱۳۷۴: ۸۳)

چنانکه مشهود است در بیت نخست این غزل پیچش و ابهامی وجود دارد. «باران گرفتن» خود عبارتی معنادار است؛ اما وقتی «باران نیزه می گیرد» به قطرات بارانی اشاره

دارد که هنگام فرود آمدن به زمین، همچون نیزه عمل می‌کنند، مصرع دوم بیت نیز چنین است.

«نکته دیگری که از بررسی غزل‌های حماسی انقلاب نباید دور داشت، یکپارچگی طبیعی اجزای آن است؛ به گونه‌ای که اطلاق عنوان غزل حماسی بر این آثار، نتیجه‌معدل گرفتن از برش‌های گوناگون تغزلی و حماسی نیست» (باقری، ۱۳۷۲: ۲۹). «بلکه موسیقی درونی واژه‌ها و آهنگ خاص ترکیبات و به طور کلی تمامی عناصر موجود در یک تصویر چون رنگ، شکل، معنی، بزرگی و کوچکی اجزا و پیام، آمیختگی خاص حماسه و تغزل را به خوبی به نمایش می‌گذارد» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). به عنوان نمونه این شعر از سهیل محمودی را ملاحظه کنید:

شما چقدر صبور و چقدر خشماگین شکسته باد کسی کاین چنیمان می‌خواست
دلم شکسته تراز شیشه‌های شهر شماس حضورتان چو تلافی صخره با دریاست
(تیغ آفتاب، ۱۳۷۵: ۸۳)

در غزل فوق به یک رویداد مرتبط با جنگ اشاره می‌شود؛ اما تقریباً هیچ اثری از واژه‌های خشن و جنگی در ابیاتش دیده نمی‌شود. واج‌آوایی در سطر اول، تداعی شکستن می‌کند و هم‌آوایی حروف «س» و «ش» به شکستگی عمق بیشتری می‌بخشد، وجه عاطفی این شعر بر جنبه‌های دیگر آن می‌چربد. باید گفت تنها نشانه‌ای که دال بر موضوع شعر دارد، همان «شیشه‌های شکسته» در مصرع نخست می‌باشد.

۲-۲- بازتاب غزل - حماسه در غزل‌های حسین اسرافیلی

حسین اسرافیلی در اوّل اسفند ماه ۱۳۳۱ در تبریز به دنیا آمد. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر مراغه، تهران و دزفول گذراند و در سال ۱۳۵۲، دیپلم ادبی گرفت. شعرهای وی در دو مجموعه «تولد در میدان» (۱۳۶۴) و «در سایه ذوالفقار» (۱۳۷۲) چاپ شده و در مطبوعات مختلف نیز شاهد آثاری از او بوده و هستیم. او اشعاری به زبان ترکی آذری نیز سروده‌است. اسرافیلی بعد از پیروزی انقلاب و در آغاز

کار شاعری، توجهش بیشتر معطوف به قالب‌های نو بوده تا قالب‌های کلاسیک و بعدها گرایش از شعر نو به سوی قالب‌های کلاسیک، مبین تأثیرپذیری او از محیط و فضای پیرامون به ویژه، فضای حاکم بر شعر انقلاب در دهه شصت است. او را می‌توان از موفق‌ترین شاعران دفاع مقدس به شمار آورد که بار حماسی غزل‌هایش بر بار تغزلی آن می‌چربد. حسین اسرافیلی بیش از چهارده غزل در زمینه دفاع مقدس سروده‌است. از جمله غزل‌هایی چون؛ لیک یا خمینی، تولد در میدان، بانگ پایداری، غنچه وحی، عطش، مناجات سرخ، سعی عشق، قفس، برای شهیدان.

مهم‌ترین ویژگی شعرهای اسرافیلی لحن غنی حماسی و فضای حماسی حاکم بر شعرهای وی است و همین لحن حماسی اوست که اشعارش را از سروده‌های دیگر شاعران دفاع مقدس متمایز می‌کند. در بررسی اشعار اسرافیلی، نمونه‌های بارزی از غزل حماسی را می‌توان مشاهده کرد که اسرافیلی در آنها از جنگ، مقابله با دشمن، دعوت به نبرد و شهادت‌طلبی سخن می‌گوید. در اینجا به برخی از ویژگی‌های غزل‌های حماسی وی اشاره می‌کنیم.

۲-۲-۱- تأثیرپذیری از شعر بزرگان

در نخستین سال‌های پس از انقلاب، جریان غزل نو با نیم‌نگاهی به میراث گذشتگان به سرعت فراگیر شد. این جریان در عین تأثیرپذیری از جریان شعر نو و اعتقاد به تحرک و طراوت زبان، نیم‌نگاهی به گذشته‌ها داشت. اسرافیلی از جمله غزل‌سرایانی است که می‌توان «او را جزء شاعران جریان‌ساز غزل نو با نیم‌نگاهی به میراث گذشتگان به شمار آورد؛ لذا تأثیرپذیری از شعر بزرگان و محتوای شعر آنان در شعر اسرافیلی نیز نمود پیدا کرده‌است» (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۲). اسرافیلی در غزل‌هایش از بزرگان شعر فارسی مثل عطار تأثیر پذیرفته‌است. به این بیت از غزل «غنچه وحی» توجه کنید:

گویی از وادی سیمرخ نشان می‌جوید که پُر از سر سلوک است فضای شبستان

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۵۰)

می‌توان گفت شاعر در هنگام سرودن این بیت متوجه «منطق الطیر» بوده و به سیر و سلوک پرندگان به رهبری هدهد نظر داشته‌است. در غزل «سعی عشق» از مجموعه تولد در میدان نیز این ویژگی را می‌توان یافت:

جرس به وادی خورشید می‌کشاندمان
 فدای گردش دست که دور ما چو رسید
 که این چنین لب چاووش نورخواندمان...
 چنان بریز که می تا سماء کشاندمان...
 به پیچشی که در آن زلف عافیت سوز است
 به پیچ پیچ خطر فتنه می‌نشاندمان
 (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۵۵)

در حقیقت زبان اسرافیلی زبانی است ترکیبی که «از یک سو با به کارگیری واژگان نو و امروزی و ترکیب‌های جدید در پی آن است تا فضای شعر را با فضای امروز و اکنون پیرامونی‌اش پیوند دهد؛ از سوی دیگر به خاطر بهره‌جویی از گنجینه غنی شعرهای کلاسیک فارسی از بکارگیری برخی از واژگان معمول در سنت شعر فارسی ناگزیر است» (ترابی، ۱۳۸۶: ۲۳۵). ماحصل آن، شعری است که پیوندی دیرینه با ادب فارسی دارد.

۲-۲-۲- بهره‌گیری از نماد

هرگاه سخن از ملت و سرزمین به میان می‌آید، اسطوره‌ها و نمادهای ملی و تاریخی نیز مطرح می‌شوند. شاعران دفاع مقدس عموماً به منظور سخن گفتن از شهیدان و مردم استوار سرزمین خویش از شخصیت‌های مثبت تاریخی، ملی و آیینی بهره می‌گیرند. این نمادها برای طیف وسیعی از مردم که با این تاریخ و اسطوره آشنا هستند، قابل درک است؛ از سوی دیگر چون مفهومی نمادین گرفته، بار معنایی جدیدی را باید به دوش بکشد که صرفاً آشنایان با زبان و نمادهای خصوصی آن شاعر مفهوم نمادین آن را درک می‌کنند. در غزل‌های حماسی اسرافیلی، مانند سروده‌های اکثر شاعران این دوران، شاهد استفاده نوین از نمادهای ملی و مذهبی، در خلق استعاره‌ها و تشبیه‌ها، همچنین ارائه تصاویر بدیع براساس آنها هستیم.

بی‌گمان موضوع شهید، بیشترین تعداد نماد را در شعر دفاع مقدس به خود اختصاص داده‌است. علاوه بر نمادهای شناخته شده‌ای همچون «لاله» و «شقایق» که دارای

سابقه‌اند، گونه‌های تازه‌تری نیز می‌توان سراغ گرفت. حسین اسرافیلی در بیت زیر، شهیدان را همچون «مرغان حق» می‌داند که شوق رسیدن به سوی معبود ازلی را دارند:

خانه‌گر در آتش بیداد می‌سوزد چه باک لانهٔ مرغان حق را شاخساری دیگر است
(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۱)

طرح اسطوره‌های ملی همراه با باورهای مذهبی در شعر حسین اسرافیلی حضوری جدی و ملموس دارد. از نمادهای اسطوره‌ای به کار رفته در شعر اسرافیلی «سیمرغ» است. این مرغ افسانه‌ای، مظهري از جمال حق است که مجاهدان و سالکان طریق حق در جست وجوی وادی آن و رسیدن به آن هستند:

گویی از وادی سیمرغ نشان می‌جویند که پر از سر سلوک است فضای شبستان
(همان: ۴۹)

نمادهایی چون «آفتاب» و «خورشید» از جمله نمادهای به کار رفته در شعر اسرافیلی است که از بار معنایی مثبتی برخوردارند و شاعر آنها را نماد پیروزی و حقیقت می‌داند. در بیت زیر، آفتاب نماد شهید، حقیقت و روشنی است:

شهوَت این خاک با دریای خون‌سیراب نیست آفتاب اینجا به خون غلتید و از خاور گذشت
(اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۵۷)

«خفّاش» از دیگر نمادهای به کار رفته در شعر اسرافیلی است که از میان حیوانات طبیعت انتخاب شده و از نمادهای منفی به شمار می‌رود. این حیوان که نابودگر زندگی و زایل‌کنندهٔ نور است، در شعر اسرافیلی نماد دشمن است:

آفتاب است این که می‌بینی فراز کوهسار گاه میدان داری خفّاش‌ها دیگر گذشت
(همان: ۵۶)

۲-۲-۳- بهره‌گیری از مظاهر طبیعی در پرداخت صحنه‌های شعری

اثرپذیری از طبیعت پیرامون و به کارگرفتن مظاهر طبیعی در شعر اکثر شاعران این دوره دیده می‌شود؛ «اما بعضی از شاعران از جمله، اسرافیلی سعی دارند تا در پرداخت صحنه‌های شعری، جهت‌القای بهتر معانی ذهنی خود و انتقال حس و عاطفه به مخاطب به نحو احسن از مظاهر طبیعت سود جویند؛ به همین دلیل، هیچگاه تصویر را برای تصویر

نمی‌خواهند؛ از این رو به جزئیات تصاویر برخاسته از مظاهر طبیعی نمی‌پردازند و عموماً در اشعارشان شاهد مظاهر کلی طبیعی، مانند دریا، آسمان، خورشید، باد، آتش، نسیم، طوفان، شب، روز، صبح، افق، صحرا، صاعقه، موج، ابر، باران و ... هستیم» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۲۴). نکته دیگر این که شاعر در ایجاد فضای شعر خود با استفاده از این مظاهر طبیعی، ترکیب‌های مختلف استعاری و تشبیهی می‌سازد تا در القای حس درونی شاعر به مخاطب که تلفیقی از حماسه و تغزل است به خوبی عمل کند؛ از جمله این ترکیبات؛ لهیب صاعقه، خرمن اوهام شب، قلّه خورشید، وادی سیمرخ، غیرت باران، آتش بیداد، نهیب طوفان و ... است.

اسرافیلی در تصاویر شعری خود عمدتاً از مظاهر طبیعی بهره برده که بیان‌کننده حرکت، جنبش و پویایی هستند و یا با یک صفت به حرکت در می‌آیند. نمونه‌های زیبایی از تشخیص که به شاعر در تصویر صحنه‌های آمیخته با شور و حماسه کمک می‌کند. لهیب صاعقه از طور بانگ بیداری که زد به خرمن اوهام شب شرر اینجا (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۸)

الفتی دارد به دریا این دل دریای ام می‌فشارد در بغل دریا کنار خویش را
بس که می‌پیچد به خود امواج در امواج خون ساحل از کف می‌دهد اینجا قرار خویش را
(تیغ آفتاب، ۱۳۷۵: ۳۱)

۲-۲-۴- بهره‌گیری از آرایه اغراق

یکی از عواملی که موجب حماسی‌تر شدن لحن اشعار می‌شود، کاربرد آرایه ادبی اغراق می‌باشد. چنانکه آشکار است از ویژگی‌های اساسی هر حماسه، وجود اغراق و بزرگ‌نمایی در ذات چنین آثاری است. این سخن، بدین معناست که کلام حماسی حتی بدون در نظر گرفتن آرایه‌هایی چون اغراق، غلو و مبالغه باز هم با بزرگ‌نمایی همراه است؛ با وجود این، صنایع ادبی یاد شده به پروراندن مضمون حماسی اثر منجر می‌شود. با نگاهی به شاهنامه که همانا عظیم‌ترین حماسه پارسی محسوب می‌شود، می‌توان تأثیر این آرایه

ادبی را در حماسه‌سرایی استاد توس به خوبی مشاهده کرد. «با مروری دقیق بر این صنعت ادبی در شاهنامه به این نکته خواهیم رسید که غالب اغراق‌ها در اصل اساندهای مجازی‌اند که در قالب تشبیهات و استعاره‌هایی گنجانده شده‌اند که به گونه‌ای در آنها بزرگ‌نمایی رخ داده‌است و این همان وجود عنصر تحیل در اغراق‌های شاعرانه است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۴۴۹).

شعر دفاع مقدس، همانند سایر حماسه‌های موجود در ادب پارسی از داشتن اغراق ناگزیر است؛ زیرا صنعت اغراق، ویژگی جدا ناشدنی کلام حماسی است؛ اما آنچه باید در بررسی اغراق در شعر دفاع مقدس در نظر داشت، این است که از آنجا که دفاع مقدس پدیده‌ای معاصر است و نیز میان وقوع آن تا سرودن اشعاری در این باره، فاصله و وقفه‌ای وجود نداشته، کاربرد اغراق در کلام شاعران این حیطه ادبی در مقایسه با شعر حماسه‌های کهن به حداقل رسیده‌است.

این صنعت در غالب نمونه‌های یافت شده از غزل‌های حماسی اسرافیلی همانند آنچه درباره اغراق شعر فردوسی گفته شد، بر پایه نوعی اسناد مجازی است. شاعر با توسل به استعاره مکنیه از نوع تشخیص به اغراق‌هایی شاعرانه دست زده و به این طریق به عناصر بی‌جان، شخصیت بخشیده و در نهایت حرکت و تکاپو را در روح سروده خویش دمیده‌است.

تو در نهان کدامین سپیده دم خفتی
که گرمی نفست از دم فلق پیداست
(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۵۳)

چه گفته‌ای به مناجات سرخ با لب عشق
که در تمامت هفت آسمان چنین غوغاست
(همان: ۵۴)

خیمه در هفت سراپرده افلاک زده‌است
نیم شب‌ها گل تکبیر ز هر یارتان
(همان: ۴۹)

۲-۲-۵- اندیشه و درون‌مایه شعر حسین اسرافیلی

شعر دفاع مقدّس را می‌توان شعری اندیشه‌مدار دانست که بیش از آنکه خیال-پردازی‌ها و لفاظی‌های شاعرانه در آن نمود یابد، اندیشه و درون‌مایه‌های خاص شالوده و اساس آن را تشکیل می‌دهد. ضیاء‌الدین ترابی در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر شعر دفاع مقدّس» درباره اهمیت این عنصر معنوی در شعر این دوره می‌نویسد: «اندیشه یکی از عناصر بسیار مهم شعرهای دفاع مقدّس است؛ زیرا اندیشه، ریشه در فرهنگ دارد و از این رهگذر، اندیشه و جهان، فرهنگ و مفاهیم اسلامی در شعرهای دفاع مقدّس جلوه‌گر می‌شود؛ به همین دلیل، شاعران دفاع مقدّس اغلب به دلیل اعتقادات مذهبی به نحوه نگرش به جهان هستی توجه خاصی به عنصر اندیشه دارند» (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹: ۳۳۷). با این مقدمه به بررسی برخی از مهم‌ترین مضامین و اندیشه‌های موجود در غزل‌های حسین اسرافیلی می‌پردازیم:

۲-۲-۵-۱- مفاهیم مذهبی و دینی

«شعرهای اسرافیلی را می‌توان شعرهایی با فضای روحانی خاص دانست که ریشه در فرهنگ غنی اسلامی دارد؛ به طوری که در بین شعرهای دفاع مقدّس شعرهای اسرافیلی از نظر بسامد فراوان مفاهیم اسلامی کاملاً مشخص و متمایزند» (ترابی، ۱۳۸۶: ۲۵۶). از مفاهیم دینی و مذهبی پرکاربرد در اشعار اسرافیلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- یکتاپرستی

یکتاپرستی و خداگرایی یکی از ویژگی‌های مهم محتوای شعر و ادب انقلاب و دفاع مقدّس است. ادبیات انقلاب و دفاع مقدّس ادبیاتی است که منطبق بر تعالیم قرآنی است و خداگرایی مهم‌ترین محور معنایی مرتبط با انقلاب و جنگ است. این ادبیات به دنبال آن است که نشان دهد انسان چگونه باید به سوی خدا برود.

بوی آیات خدا می‌دهد آوای شما
 غنچه وحی شکفته است مگر بر لب‌تان
 (اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۵۰)

اعتقاد به حضور خالقی مقتدر که بر تمامی جنبه‌های وجودی مخلوقات خویش، احاطه و اشراف دارد باعث شکل‌گیری نوعی اطمینان قلبی به پیروزی نهایی حق علیه باطل در افکار هر فرد مسلمان است که همین امر موجب پیدایش نوعی دلگرمی و بی‌باکی در میان رزمندگان عرصه جهاد و مقاومت در طول هشت سال جنگ تحمیلی در ایران بوده است و شاید اصلی‌ترین موضوعات ادب‌پایداری در این دوره را، بتوان توصیف این تهوّر دانست. دلگرمی‌ای که بیان‌کننده اعتقاد به وجود مدد رسانی از جانب خداوند به نیروهای سپاه اسلام در هر دوره از تاریخ است. به عنوان نمونه، در غزل زیر اسرافیلی با آوردن واژه «بلی» به بخشی از آیه قرآنی «الَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۷۲) اشاره می‌کند و شهیدان را هم‌پیمانان خداوند در عالم «ذر» معرفی می‌کند:

بر تیغ و دشنه‌ها «بلی» گویان جان را سپر گرفتند ولی بی ما
عهدی که بسته بود گواهِش را زخم جگر گرفت ولی بی ما
(اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۷۴)

شاعر متعهد انقلاب تحت تأثیر مکتب و با احساسی سرشار از صداقت از خدا و خلق خدا می‌گوید و این پاکی و زلال بودن را در شعرش می‌توان مشاهده کرد.

ب- در آمیختن حماسه و عرفان

شاید بتوان گفت عشق، حماسه و عرفان در تلفیقی سازنده با هم، مضمون کلی اشعار دفاع مقدس را تشکیل داده‌اند. در معرفی ادبیات دفاع مقدس گفته‌اند: «حماسه‌ای است با ژرف ساخت عرفانی. مهم‌ترین شاخصه در ادبیات دفاع مقدس، تلاقی حماسه و عرفان است» (ساری‌اصلانی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). اشعاری را که حماسه و عرفان را در کنار هم به کار گرفته‌اند، بر حسب موضوع به دو گروه تقسیم کرده‌اند: «۱- شعرهای حماسی که از اصطلاحات عرفانی نظیر پیر، باده، شراب، جانان، سالک، ساغر و ... برخوردارند؛ ۲- شعرهای حماسی که شاعر در آنها اصطلاحات عرفانی را به کار نگرفته، اما روح عرفان و اندیشه عاشورایی در آن اشعار، جاری است» (فروتن‌پی، ۱۳۸۳: ۱۵). رویکرد عرفانی

ادبیات پایداری را می‌توان سوق دادن انسان در مسیر کمال و رساندن وی به اعلیٰ درجات عبودیت دانست. پیوند حماسه و عرفان و حماسه و تغزل در شعر اسرافیلی، مانند سایر اشعار شاعران دفاع مقدّس، مهم‌ترین ویژگی فکری اوست. اسرافیلی با پیوند حماسه و عرفان آثار ارجمندی را آفریده‌است. غزل «قصددریا» از موقّق‌ترین شعرهای حماسی دفاع مقدّس و از بهترین شعرهای اسرافیلی است. شاعر در این شعر شهیدان را عاشقان در راه حق می‌داند که در دفاع از مرز و بوم و دین و آیین خود در میدان کارزار به شهادت رسیده‌اند و اکنون میدان از خونشان رنگین شده‌است. میدانی که در آن صدایی شاعر را آن هم در میان شیّه اسبان فرامی‌خواند و به جنگ، نبرد، استقامت و ادامه راه شهیدان دعوت می‌کند.

باز می‌خواند کسی در شیّه اسبان مرا	منتظر استاده در خون چشم این میدان مرا
رنگ آرامش ندارد این دل دریایم	می‌برد سیلاب‌ها تا شورش طوفان مرا
خون خورشید است یا زخم جبین عاشقان	می‌نشانند این چنین در آتش سوزان مرا
بسته‌بودم در ازل عهدی و اینک شوق دار	می‌کشد تا آخرین منزلگه پیمان مرا
غرق خون بسیار دیدی عاشقان را صف به صف	هان ببین اینک به خون خویشتر رقصان مرا

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۸۳)

در غزل زیر از حسین اسرافیلی نیز شاهد منازل و مراتبی برای عاشقی هستیم که مردن را نخستین منزل خود را برای رسیدن به خدا می‌داند.

می‌برم منزل به منزل چوب دار خویش را	تا کجا پایان برم آغاز کار خویش را
در طریق عاشقی باک از طناب و دار نیست	می‌برد بردوش خود منصور دار خویش را

(تیغ آفتاب، ۱۳۷۵: ۳۱)

ج- تجلی قیام عاشورا در شعر اسرافیلی

جنگ تحمیلی هشت ساله، از جهت استوار بودن بر پشتوانه‌های دینی و مذهبی، مقدّس خوانده می‌شود. یکی از این پشتوانه‌ها، قیام تاریخی کربلا در سال ۶۱ هجری بود. از این رو می‌توان گفت: «ژرف ساخت شعر دفاع مقدّس عاشوراست؛ اسطوره‌ای که شعر دفاع مقدّس را کاملاً تحت سیطره خود قرار داده‌است عاشوراست» (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹:

(۳۷۱). نگاه متفاوت به عاشورا در شعر دفاع مقدس سبب شد تا شاعران شعر عاشورایی علاوه بر سوگ به عناصر دیگر همچون حماسه و پیام نیز توجه کنند. نهضت عاشورا بیشترین تأثیر را به لحاظ الگودهی در رزمندگان داشت. رزمندگان اسلام بر این باور بودند که دفاع مقدس تکرار حادثه عاشورا است و آنان باید همانند امام حسین (ع) و یاران اندکش تا آخرین قطره خون در کربلای جنوب ایران با دشمن دون بجنگند و سر به شهادت بسپارند، اما تن به ذلت و خواری ندهند:

شطخون کربلا چون خشم دریا موج زد موج آن خون است آری، این که از سنگر گذشت
سرنوشت ما همان تقدیر ظهر کربلاست عشق می داند که ما را چیست آخر سرگذشت
(اسرافیلی، ۱۳۷۲: ۵۶)

اسرافیلی با پیش چشم داشتن این اندیشه که قیام عاشورا به یک برهه زمانی خاص و سرزمین کربلا به یک محدوده جغرافیای مخصوص منحصر نمی شود، دفاع مقدس ملت ایران را، دنباله قیام عاشورا و حتی بخشی از آن می شمرد:

کربلا دیدیم و در میدان توگد یافتیم هم شهادتگاه مامعراج «دار»ی دیگر است
(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۴۲)

در مجموع حماسه عاشورا چه به صورت مستقیم و چه به صورت تلمیح در تمامی غزل های حماسی دفاع مقدس حضوری پر بار دارد. زیرا انقلاب و جنگ تحمیلی پایگاه فرهنگی خود را در عاشورا جست و جو می کند.

۲-۵-۲- اشتیاق به شهادت

واژه شهادت از ریشه شَهِدَ به معنای دیدن، شاهد بودن، گواهی دادن و الگو و نمونه شدن است و یا «عبارت است از پایان دادن به حیات طبیعی برای دفاع از ارزش های حیات انسانی افراد جامعه» (خدایار، ۱۳۸۲: ۴۹). با نگاهی به مجموعه اشعار شاعران دفاع مقدس می توان نتیجه گرفت که اشتیاق به شهادت در اشعار اولیه ایشان که سرایش آنها مصادف با شروع جنگ تحمیلی بوده است، بیش از سایر اشعاری که در سال های پایانی جنگ تحمیلی سروده اند. بررسی اشعار حسین اسرافیلی می تواند گواهی بر این ادعا باشد.

نهراسیدن از مرگ بلکه استقبال از آن و سهل شمردن آن، موضوعی است که اسرافیلی آن را دست‌مایه اشعار خویش قرار داده‌است:

به بوی خون و خطر باره را رکاب زدیم کجاست صحنه میدان که روز غیرت ماست
چه گفته‌ای به مناجات سرخ با لب عشق که در تمامت هفت آسمان چنین غوغاست
(اسرافیلی، ۱۳۶۴:۵۴)

ناگفته نماند که «شهادت، مرگ‌طلبی نیست؛ بلکه شهادت جلوه‌ای از تفکر عرفانی در حیطه ادب مقاومت و شعر دفاع مقدّس است؛ بدین معنی که شهادت آزمونی برای حذف گناه و از بین بردن خطاهای گذشته و رسیدن به وصال حق است» (علایی، ۱۳۸۷: ۲۰۵). از این روست که جوانان این مرز و بوم به استقبال از شهادت می‌روند. اسرافیلی در غزل «عطش» بی‌تابی و اشتیاق خویش را برای رفتن از این عالم مادی و درک عالم معنوی که در سایه شهادت امکان‌پذیر است بیان می‌کند و به شور و شوق حماسه-پردازی خویش اشاره می‌کند:

جان می‌کشدم به سوی پرواز تن در قفس هوس به بازیست
بی‌سربه سجود رفت باید کاین اوّل شور سرفرازیست
(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۵۱)

شاعر معتقد است برای رسیدن به معشوق ازلی باید همچون حلاج سراپای وجودمان پر از شور و شوق باشد، زیرا این دار و شهادت آخرین منزل سلوکمان خواهد بود برای به سر بردن پیمانی که در ازل با خدای خویش بسته‌ایم:

بسته بودم در ازل عهدی و اینک شوق دار می‌کشد تا آخرین منزلگه پیمان مرا
(همان: ۸۳)

۲-۵-۳- پرداختن به شخصیت امام خمینی (ره)

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های معنایی غزل انقلاب و جنگ، غزل‌هایی است که درباره شخصیت‌های مذهبی و سیاسی سروده شده‌اند. در این میان، شخصیت بی‌نظیر امام خمینی (ره) مورد توجه ویژه شاعران معاصر قرار داشت و پرداختن به شخصیت حضرت امام

و زندگی و مبارزه آن حضرت، سرلوحه کارشان قرار گرفت. حسین اسرافیلی در غزلی با عنوان «لَبَّيْكَ يَا خَمِينِي» به شخصیت بی نظیر حضرت امام پرداخته، وی اهمیت پیروی از امام را در جای جای شعر خود یادآور می‌شود و رویگردانی از امام را به هدر دادن خون شهیدان می‌داند:

ای روح سبز یاران لبیک یا خمینی ای شوکت بهاران لبیک یا خمینی
 ای چشمه‌سار ایمان بر تشنگان قرآن از نسل سرداران، لبیک یا خمینی
 ای در طنین گامت فریاد استقامت در صحن کارزاران لبیک یا خمینی
 (همان: ۱۷)

چنانکه مشهود است فضای غزل، فضایی حماسی است. استفاده از واژه‌هایی چون نسل سربهداران، طنین گام، صحن کارزاران، آذرخش شرکش، خط خون و آتش و ... به تشدید فضای حماسی شعر کمک کرده است. نکته دیگر در انتخاب ردیف «لبیک یا خمینی» به عنوان ردیف غزل است که علاوه بر اعتقاد شاعر به فرمان‌های مرشد و امام خود نشان‌دهنده فرمان‌برداری همه رزمندگان از حضرت امام^(ره) است که در عبارت لبیک یا خمینی خلاصه شده. طوری که در گوش شاعر، ترنم فرونشستن قطره‌های باران بر دریا در نهایت به انعکاس چنین ندایی می‌انجامد و این، خود سبب آفرینش چنین بیت زیبایی می‌شود:

دریا چه عاشقانه می‌خواند این ترانه با قطره‌های باران لبیک یا خمینی
 (همان: ۱۸)

۳- نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت حسین اسرافیلی از موفق‌ترین شاعران دفاع مقدس به شمار می‌رود که بار حماسی غزل‌هایش بر بار تغزلی آن می‌چربد. وی با بهره‌گیری از عاطفه و زبانی جزیل و فخیم توانست غزل‌های پرشور و نابی بسراید و تقریباً چهره‌ای ثابت از خود در غزل - حماسه باقی‌گذارد. ترکیبات تشبیهی و استعاری در شعر اسرافیلی مانند اغلب شعر شاعران دهه شصت درباره موضوع جنگ تحمیلی و اغلب

کلیشه‌وار است. صنایع بدیع معنوی همچون اغراق از دیگر آرایه‌های موجود در غزل‌های حماسی اسرافیلی است که صنعت اغراق در نمونه‌های یافت شده از اشعار اسرافیلی بر پایه نوعی اسناد مجازی است. در بخش بررسی اندیشه می‌توان گفت شهادت یکی از پر کاربردترین مضامین به کار رفته در غزل‌های حماسی اسرافیلی است و شاعر مسئله شوق شهادت را که بیشتر مربوط به دوران هشت سال دفاع مقدس است، دست‌مایه اشعار خویش قرار داده‌است. همچنین شاعر با پیوند زدن قیام عاشورا با وقایع جنگ تحمیلی، بر قداست این رخداد تاریخی افزوده‌است. نکته‌ای که در شعر اسرافیلی حایز اهمیت است، طرح اسطوره‌های ملی در کنار باورهای دینی - به ویژه شیعی - است که در شعر ایشان حضوری جدی و ملموس دارد؛ بنابراین، شاعر در کنار فرهنگ مذهبی و شیعی از عناصر فرهنگ ملی و ایرانی نیز بهره برده‌است. در نهایت باید گفت شعر اسرافیلی شعری است پر معنا و موثر با فضای روحانی و زبان و بیان حماسی و صمیمی، شعری که ریشه در فرهنگ و اندیشه غنی اسلامی دارد، با تصاویر زیبا و دلنشین و شعری که ایمان و عشق و حماسه در کنار یکدیگر در آن جلوه می‌کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. اسرافیلی، حسین. (۱۳۷۲). **در سایه ذوالفقار**. تهران: وزارت ارشاد.
۳. ----- (۱۳۶۴). **توگد در میدان**. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. اکسیر، اکبر. (۱۳۶۱). **در سوگ سپیدان**. تهران: انتشارات زر.
۵. امین پور، قیصر. (۱۳۷۴). **تنفس صبح**. تهران: سروش.
۶. ----- (۱۳۸۶). **سنت و نوآوری در شعر فارسی**. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۵. باقری، ساعد و محمدرضا محمدی نیکو. (۱۳۷۲). **شعر امروز پژوهشی مبتنی بر مجموعه شعرهای منتشر شده (۶۹-۵۷)**. تهران: انتشارات بین المللی المهدی.
۶. ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۶). **شکوه شقایق**. تهران: سماقم.
۷. خدایار، دادخدا. (۱۳۸۲). **عرفان شهادت**. چاپ اول. تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۸. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. (۱۳۷۵). **تیغ آفتاب (مجموعه شعر دفاع مقدس / ۷)**. تهران: نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه.
۹. ساری اصلانی، سوسن. (۱۳۸۹). «**ادبیات منظوم دفاع مقدس**»، مجموعه مقالات فرهنگ عاشورایی و ادبیات پایداری، شماره اول، ص ۹۶-۱۰۷.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **صورخیال در شعر فارسی**. تهران: انتشارات آگاه.
۱۱. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). **انواع ادبی**. تهران: انتشارات فردوسی.
۱۲. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). **سیر غزل در شعر فارسی**. تهران: انتشارات فردوسی.
۱۳. صفاء، ذبیح الله. (۱۳۷۸). **حماسه سرایی در ایران**. تهران: فردوس.
۱۴. عبادیان، محمود. (۱۳۷۲). **تکوین غزل و نقش سعدی مقدمه‌ای بر مبانی جامعه-شناختی و زیباشناختی غزل فارسی و غزلیات سعدی**. تهران: انتشارات هوش و ابتکار.
۱۵. علایی، سعید. (۱۳۸۷). **جریان‌شناسی شعر انقلاب اسلامی**. تهران: مرکز اسناد انقلاب.
۱۶. فروتن‌پی، روزبه. (۱۳۸۳). **از حماسه و عشق..** تهران: انتشارات ترفند.
۱۷. فروغی جهرمی، محمدقاسم. (۱۳۸۹). **مقوله‌ها و مقاله‌ها**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

۱۸. قاسمی، حسن. (۱۳۸۳). **صورخیال در شعر مقاومت**. تهران: فرهنگ گستر.
۱۹. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۱). **دستی بر آتش (شناخت شعر جنگ)**. شیراز: نوید شیراز.
۲۰. کاشانی، سپیده. (۱۳۷۳). **هزار دامن گل سرخ**. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات.
۲۱. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۷۶). **آوازه‌های نسل سرخ**. تهران: عروج.
۲۲. مردانی، نصرالله. (۱۳۷۰). **خون‌نامه خاک**. تهران: انتشارات آفرینش.
۲۳. مکارمی‌نیا، علی. (۱۳۸۵). **بررسی شعر دفاع مقدس**. تهران: ترفند.